



سلام بر محمد <sup>ع</sup> وارش غدیر  
فرارسیدن عید بزرگ ولایت، عید سعید غدیر خم  
بر عموم مسلمین جهان مبارک باد.

اضطرار به ولی

اضطرار به ولی و احتیاج به خدا



بنیاد فرهنگی حضرت محمدی موعود (عج)



# من غنچه‌ی پیری آمم

تعبیری است از حضرت فاطمه علیها السلام در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که می‌فرمایند: «إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضِ وَإِبْلَهَا؛ ای رسول خدا! ما تو را از دست دادیم مثل زمینی که دانه‌های درشت باران از دست داد.» (۱)

مثل این که زمین بارش بی امانش را از دست داده باشد، تا چنین افتقار و از دست دادنی را احساس نکنیم، به ولایت ولی نخواهیم رسید. و تنها جمعی است که می‌آید و می‌رود، اما راهی به ولی پیدانمی‌کند. نکته‌ی اساسی در مساله‌ی ولایت و وحی و توحید همین نکته است. بحث از اثبات خدا و رسول و نبی و ولی نیست، که صحبت از اضطرار به ولی و احتیاج به خلاست. من نیاز به رسول و وصی او دارم.

۱. "وابل" به معنی دانه‌های درشت باران است. یعنی توقع این است که دانه‌های درشت باران زود از بین نروند. منظور حضرت این است که ما شما را مانند زمینی که دانه‌های درشت باران را می‌مکد و از بین می‌برد، ما نیز شما را از دست دادیم؛ فروع کافی، ج ۸، ص ۳۷۶





# من بخشد پیری آم

اگر فرضم بر این باشد که در این زندگی با این شرایط  
موجود، می توانم مسائل را خودم حل و فصل کنم دیگر به  
خدا چه نیازی دارم؟! بر فرض هم که خدا باشد به رسول او  
چه احتیاجی دارم؟! به ولی او چه احتیاجی!؟

اما وقتی این معنا در انسان شکل می گیرد که هم وجودش  
محدود است و هم امکاناتش ناتمام و ناقص هستند و حتی  
علم و تجربه و عقل و فلسفه و قلب و عرفانش کفاف او را  
نمی دهند. اینجاست که خدا و رسول و ولی ضرورت پیدا  
می کنند و اضطرار به آنها مطرح می شود.

و با این معنا از اضطرار و احتیاج، مسأله شکل جدیدی به خود  
می گیرد.



# من غنچه‌ی پیری‌ام

این از يك طرف، نکته‌ی دیگر این‌که؛ حقیقت ولایت در اولویت ولی و رسول نسبت به من است. و این بر اساس تعبیری از حضرت رسول است که در غدیر مطرح می‌کنندکه:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (۲)

این اساس ولایت است؛ یعنی رسول و وصی از من به من سزاوارترند. چرا؟ چون هم از من به من نزدیک‌تر و هم مهربان‌تر و هم آگاه‌ترند. و این‌جاست که تو رسول و وصی را انتخاب می‌کنی.

این معنای از ولایت، نه بانفی تو همراه است و نه با هویت و انسانیت تو در تعارض؛ چون با انتخاب تو همراه بوده است. چرا؟ چون به آگاهی بیشتر، به رحمت و اسعه‌ی حق و محبت و عنایت و بینه‌ای روشن او دست یافته‌ای.

۲. بحار الانوار، ج ۲۱، ب ۳۶، ح ۱۰



# من غمخوارم، همگام بر ایام بزم ترا ظهور

# من غمخوارم

حضرت علی علیه السلام در خطبه دوم نهج البلاغه آن جا که از حقوق ولایت می گویند، نکته خیلی لطیفی دارند که به دست می آید حق ولایت زمینه هایی دارد. این زمینه ها آگاهی است، آزادی است و رحمت و اسعه و محبت ولی است.

کسی که آگاهی به تمامی راه ندارد، و آزادی از تمامی تعلق ها ندارد و این محبت و رحمت و اسعه را به انسان ها ندارد که از آن ها به آن ها نزدیک تر باشد و آن ها را بیش از خودشان دوست داشته باشد، ولی نخواهد بود و ولایتی را بر انسان نخواهد داشت.



# من غنچه‌ی پیری‌ام

هم‌گام با پیا می‌برتا ظهور

با این معنای از ولایت و با توجه به محدودیت امکانات آدمی؛  
چه در حوزه علم و تجربه اش، و چه در حوزه عقل و فلسفه اش  
و چه در حوزه قلب و عرفانش و با توجه به محدودیت وجودی  
اوست که خدا و رسول و وصی او ضرورت پیدامی کنند و  
انسان، محتاج و مفتقر به خدا و مضطر به رسول و ولی او خواهد  
بود و دنبال آن هاست و از آن‌ها می‌خواهد.

## فرازی از خطبه غدیر: تنها راه‌رستگاری

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا  
إِلَّا شَقِيًّا، وَ لَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا؛ ای مردم پس بدینید و یقین کنید  
که با علی دشمنی نمی‌کند، مگر کسی که سیاهدل و  
ناپاک است و دل به ولایت علی نمی‌دهد، مگر کسی که  
پاک نهاد و پرهیزگار است.